

www.ketab.ir
تاروپو

روایتی از آرزوهای دست‌ساز زینب عاشری
مشاور و تسهیل‌گر

نویسنده: مرضیه احمدی | دبیر مجموعه: بهزاد دانشگر

تاروپود

روایتی از آرزوهای دست‌سازِ زینب عاشری

مشاور و تسهیل‌گر

انتشارات: حماسه یاران

نویسنده: مرضیه احمدی ■ دبیر مجموعه: بهزاد دانشگر

مصاحبه: فرزانه قائنی ■ ویراستار: مریم کتابی ■ طرح جلد: علی سلمان‌زاده

شابک دوره: ۴-۱۴-۸۱۱۹-۶۲۲-۹۷۸ ■ شابک: ۶-۲۳-۸۱۱۹-۶۲۲-۹۷۸

نوبت چاپ: یکم. پاییز ۱۴۰۳ ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ■ چاپ: زیتون

قیمت: ۱۲۵/۰۰۰ تومان ■ مدیریت هنری و آماده‌سازی: مؤسسه فرهنگی حماسه ۱۷

سرشناسه: احمدی، مرضیه، ۱۳۶۲- و نام پدیدآور: تاروپود: روایتی از آرزوهای دست‌ساز زینب عاشری مشاور و تسهیل‌گر/نویسنده: مرضیه احمدی مصاحبه فرزانه قائنی ویراستار مریم کتابی | مشخصات نشر: قم: حماسه یاران، ۱۴۰۳. | مشخصات فیزیکی: ۱۷۶ ص. | شابک: ۶-۲۳-۸۱۱۹-۶۲۲-۹۷۸ | وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا | عنوان دیگر: آرزوهای دست‌ساز زینب عاشری مشاور و تسهیل‌گر. | موضوع: عاشری، زینب، ۱۳۶۷-- | خاطرات | موضوع: داستان‌های فارسی-- قرن ۱۴ / Persian fiction -- 20th century / مادران-- داستان / Mothers -- Fiction | رده‌بندی کنگره: PIR۸۳۳۴ | رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲ | شماره کتابشناسی ملی: ۹۸۰۶۵۲۸ | اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نشانی: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران،

طبقه همکف، پلاک ۲

۰۲۵۳۷۷۴۸۰۵۱

۰۹۱۰۱۵۵۹۰۱۰

www.hamasehyaran.ir



انتشارات حماسه یاران

فهرست

۷.....	به جای مقدمه
۱۱.....	سخن نویسنده
۱۵.....	گره اول چشم به راه مادری
۲۵.....	گره دوم در حسرت یک آرزو
۳۵.....	گره سوم شکوه خواهری
۴۷.....	گره چهارم رایحه ی زندگی
۵۹.....	گره پنجم تاروپود عشق
۶۹.....	گره ششم پایان چشم انتظاری
۸۷.....	گره هفتم شگفتانه
۱۰۷.....	گره هشتم ساختِ مادر
۱۲۵.....	گره نهم مثلِ خورشید
۱۳۷.....	گره دهم چشم و چراغ خانه
۱۴۹.....	گره یازدهم خانواده ی چندفرزندی
۱۶۳.....	گره دوازدهم مامان مواسات
۱۷۳.....	گره سیزدهم سلوکِ مادری

به جای مقدمه

اندیشیدن به آینده بدون توجه به امروز امری است که راه به جایی نمی‌برد. اساساً اگر قرار است آینده روشنی داشته باشیم باید همین امروزمان را بسازیم و برای آن آینده درخشان برنامه داشته باشیم. بی‌خیالی و توجه نکردن به این امر، می‌تواند ما را دچار خسران و پشیمانی کند. بدون شک یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ساخت آینده، داشتن جمعیتی جوان، متخصص و پرتلاش است.

همه‌ی ما می‌دانیم که پیری جمعیت و کاهش فرزندآوری، یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های روزگار ماست؛ اما آنچه که شاید از آن غافل باشیم، نقش فرهنگ در ساخت تصویر مناسب از آینده است. روزگاری که دستگاه‌ها و سیستم‌های اداری و برنامه‌ریزی می‌خواستند مردم را به کاستن بارداری و فرزندآوری قانع کنند، مهم‌ترین حربه‌شان فرهنگ و ابزار فرهنگی بود؛ اینکه به مردم نشان دادند برای داشتن یک زندگی

خوشبخت، راحت و آسوده باید فرزند کمتری داشته باشند. آن‌ها تصویری که از خانواده شلوغ می‌دادند، تصویری آشفته و شلخته و ناپسامان بود، و اگر قرار است این تصویر اصلاح شود، با وجود سایه سنگین مشکلات و چالش‌های اقتصادی، باز این فرهنگ و ابزارهای هنری است که با خلق تصویرهای جدید، بیشترین نقش را در تعیین نحوه و سبک زندگی مردم دارد. اگرچه امروز اقتصاد و مشکلات اقتصادی بر همه‌ی امور سایه انداخته، اما ما بر این باوریم که هنوز هم فرهنگ، بیشترین نقش را در تعیین نحوه و سبک زندگی مردم دارد.

این میان داستان و مستندهای روایی نقشی جدی و بی‌بدیل در به وجود آوردن اشتیاق، و تصویر خوشایند در مخاطب نسبت به فرزندآوری دارند و می‌توانند بسیاری از گره‌های ذهنی مخاطبان خود را باز کنند. مجموعه «روایت خانه» در راستای تعهدات اجتماعی که برای خود قائل است، بر آن شد تا با تهیه و پخش در این فضا نقش آفرینی کند. نویسندگان روایت خانه، مجموعه کتاب جوانه را در همین راستا و با هدف تشویق و ترغیب مردم جامعه به فرزندآوری آغاز کردند که در اولین گام، دو کتاب «فکرشم نکن» و «پناهم باش» را منتشر کردند که به لطف خدا از استقبال خوب خوانندگان هم برخوردار شد.

اکنون و در گام دوم، دوازده کتاب دیگر را شروع کرده‌ایم که ترکیبی است از خرده‌روایت، داستان و زندگی‌نگاره مستند برای مخاطب‌های جوان و بزرگسال و برخی کتاب‌ها نوجوان.

این مجموعه روایت‌ها هرکدام به یکی از عوامل مؤثر در بحث فرزندآوری پرداخته است، که البته پرنگ‌ترین تصویر، پرداختن به نقش بی‌بدیل مادری است. برخی کتاب‌ها با روایت‌های خواندنی از مادران فرهیخته‌ای که ضمن داشتن نقش اجتماعی مناسب با فضاهای زنانه و

مادرانه، در فرزندآوری و داشتن خانواده‌ای شاد موفق بوده‌اند، مخاطب را با تصویری متفاوت از مادری کردن مواجه می‌کند و اشتیاقی شیرین را نسبت به تحمل سختی‌های چنین امری وامی‌دارد. برخی دیگر از این کتاب‌ها اختصاص دارند به پشیمانی و تلخی‌های مادرانی که در روزگاری قبل‌تر فرزندآوری را به تعویق انداختند و اکنون کلاً امکان باروری را از دست داده‌اند و از این بابت پشیمانی تلخی را تحمل می‌کنند. از دیگر موضوعات این کتاب‌ها، پشیمانی‌ها و تلخی‌های خانواده‌های تک‌فرزند است، و موضوعاتی مؤثر دیگر، مانند ازدواج‌های به‌هنگام.

امید است این کتاب‌ها با تلاش و همت نشر حماسه یاران که مجاهدانه و پرتلاش یاد در مسیر تشویق مردم به فرزندآوری نهاده و نقش‌آفرینی گروه‌های تبلیغی و ترویجی و فرهنگی، بتواند سهمی بسزادر امر تشویق مردم به جوانی جمعیت داشته باشد.

از خداوند طلب توفیق داریم

آیت‌خانه

سخن نویسنده

گفت‌وگو درباره‌ی آرزو، یک سرگرمی جذاب کودکان است؛ از آرزوی داشتن یک خوراکی خوش مزه تا رفتن به شهر عجایب. آرزوها یک بافتنی هستند، ولی فکر کردن به آن‌ها، کامشان را شیرین می‌کند. از قدیم گفته‌اند: «آرزو بر جوانان عیب نیست!» شاید به این معنا که اگر آمال و آرزویی نباشد، تلاش و کوششی هم پدید نمی‌آید. آرزو خواسته‌ای است که انسان دوستش دارد.

تاریپود، روایت بخشی از زندگی یک مادر است؛ یک مادر معمولی؛ مادری مثل خیلی از مادرهای دیگر؛ بانوانی که زیاد دیده‌ایم و با آن‌ها هم صحبت و هم‌نشین بوده‌ایم؛ روایتی زنانه برای زنان سرزمینمان. همیشه ماجرای زندگی افراد مشهور جذاب و خواندنی است. تابه‌حال به این فکر کرده‌اید قصه‌ی زندگی مادر یک فرد معروف چگونه است؟ چند نفر از مادران افراد مشهور را می‌شناسیم؟

آغوش گرم مادر، می تواند پرورش دهنده ی نسلی قوی و پرتوان باشد. مادر با انگشتان ظریفش، تاروپودهای زندگی فرزندانش را هر روز و هر شب به هم گره می زند تا نقشی زیبا برایشان ببافد. این کار مهم، هنرمندانه و بدون چشم داشت در این سرزمین انجام شده و می شود. مادر نه محتاج دیده شدن است، نه تأییدیه گرفتن. فطرت مادر، چشمه ای زلال و جوشان است که همه از آن کام می برند. تاروپود، برشی کوتاه از قصه ی پررمز و رازِ مادری بانوان ایرانی است؛ قصه ای که برای شنیده شدنش، کمتر وقت گذاشته شده است. روایت آرزوهایی است که وجود نداشتند، ولی ساخته شدند. بانوی پرتلاشی که دست روی دست نگذاشت و منتظر معجزه نبود؛ آستین هایش را بالا زد و تاروپود آرزوهایش را به هم گره زد.

تاروپود عالم امکان به هم پیوسته است

عالمی را شاد کرد آن کس که یک دل شاد کرد

این متن یک ویژگی متفاوت دارد. شاید برای برخی عجیب و سؤال برانگیز باشد. این کتاب فقط زندگی نگاره نیست. لابه لای روایت زندگی بانو عاشری، تجارب و نکات تربیتی که حاصل تجربه و تخصص ایشان است به فراخور موضوع بیان شده است. به این امید که برای خوانندگان، به ویژه مادران جوان مفید و کاربردی باشد.

آرزو دارم تک تک واژه های این کتاب، گره محکمی شوند برای تاروپود زندگی ها، برای ساختن حال خوب، برای ساختن خورشید مادری، برای ساختن رؤیایی زیبا و پسندیده!

مرضیه احمدی

آغوش گرم مادر، می تواند پرورش دهنده ی نسلی قوی و پرتوان باشد. مادر با انگشتان ظریفش، تاروپودهای زندگی فرزندانش را هر روز و هر شب به هم گره می زند تا نقشی زیبا برایشان ببافد. این کار مهم، هنرمندانه و بدون چشم داشت در این سرزمین انجام شده و می شود. مادر نه محتاج دیده شدن است، نه تأییدیه گرفتن. فطرت مادر، چشمه ای زلال و جوشان است که همه از آن کام می برند. تاروپود، برشی کوتاه از قصه ی پررمز و رازِ مادری بانوان ایرانی است؛ قصه ای که برای شنیده شدنش، کمتر وقت گذاشته شده است. روایت آرزوهایی است که وجود نداشتند، ولی ساخته شدند. بانوی پرتلاشی که دست روی دست نگذاشت و منتظر معجزه نبود؛ آستین هایش را بالا زد و تاروپود آرزوهایش را به هم گره زد.

تاروپود عالم امکان به هم پیوسته است

عالمی را شاد کرد آن کس که یک دل شاد کرد

این متن یک مکتب متفاوت دارد. شاید برای برخی عجیب و سؤال برانگیز باشد. این کتاب فقط فقط زندگی نگاره نیست. لابه لای روایت زندگی بانو عاشری، تجارب و نکات تربیتی به حاصل تجربه و تخصص ایشان است به فراخور موضوع بیان شده است. به این امید که برای خوانندگان، به ویژه مادران جوان مفید و کاربردی باشد.

آرزو دارم تک تک واژه های این کتاب، گره محکمی شوند برای تاروپود زندگی ها، برای ساختن حال خوب، برای ساختن خورشیدِ مادری، برای ساختن رؤیایی زیبا و پسندیده!

مرضیه احمدی

پروردگار ما بخیل نیست.
اگر ما یک قدم برداریم،
درها را برایمان باز می‌کند؛
مثل وقتی که درها را برای حضرت یوسف علیه السلام باز کرد
تا او مکر زلیخا نجات پیدا کند.
وَقَالَ لَهُمْ خُذُوا هَذَا
عادلانه برای ما فرصت ایجاد می‌کند.
اجازه می‌دهد برخی کارها را جمعاً از بندگانش انجام دهند؛
به شرطی که ما فرصت‌ها را درک کنیم.
همیشه زیر لب زمزمه می‌کنم:
بیرون ز تو نیست هرچه در عالم هست
در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

زینب عاشری